

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد

تاریخ: ۱ اسفند ۱۳۹۵

موضوع جزئی: معنای صراط مستقیم - مقدمه

مصادف با: ۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۸

جلسه: ۴۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

**خلاصه جلسه گذشته**

برای اینکه معنای صراط مستقیم معلوم شود مقدمتاً مطالبی را باید عرض کنیم، سه مطلب را دیروز عرض کردیم، مطلب اول اینکه بطور کلی همه موجودات و به ویژه انسان‌ها راهی به سوی پروردگار متعال دارند و این اعم است از مسلمان و کافر، دوم اینکه چه راه‌های اصلی و چه فرعی به سوی پروردگار در یک تقسیم بندی کلی به دو قسم تقسیم می‌شود، یکی راه به سوی خدا و دیگری راه به سوی شیطان، و گفتیم این منافاتی با آن مطلب اول هم ندارد، سوم اینکه راه‌ها ویژگی‌ها و صفات متفاوتی برای آن بیان شده است، گاهی راهی به سوی خدا نزدیک است و گاهی راه دور است، گاهی راه به سوی بلندی است و گاهی راه به سوی پایین دارد.

**مطلب چهارم: تفاوت صراط و سبیل**

مطلب چهارم درباره معنای صراط مستقیم و تفاوت آن با سبیل است، ما در قرآن می‌بینیم هم از صراط سخن به میان آمده است و هم سبیل، مکرراً از صراط و سبیل بحث شده است و این واژه‌ها در آیات قرآنی استعمال شده است.

**تفاوت اول**

یک فرق عمده که از نظر لفظی بین صراط و سبیل در استعمالات قرآنی می‌بینیم این است که سبیل به صورت مفرد و تنبیه و جمع به کار رفته است ولی صراط در همه جا به صورت مفرد به کار رفته است، ما صراطین یا صراطات نداریم، حال این صراط که مفرداً استعمال شده است، گاهی به وصف استقامت و مستقیم و اخروی به وصف جحیم و غیر آن متصف شده است. در مورد صراط البته تعبیر «کل صراط» وارد شده است، یعنی وحدت و کثرت برای توصیف صراط استعمال شده است اما به صورت تنبیه و جمع نیامده است، مثلاً در آیه «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ»<sup>۱</sup> شعیب قوم خود را نهی می‌کند از نشستن بر هر صراطی، تا مردم بتوانند راه خدا را طی کنند، در اینجا «کُلِّ» بر سر «صراط» آمده است ولی صراط به صورت جمع نیست، در این آیه «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ»، در واقع نهی است در مقابل سخن شیطان که به خدای سبحان عرض کرد «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>۲</sup>، من بر سر راه انسان‌ها کمین می‌کنم تا راهزنی کنم، وقتی شیطان این را می‌گوید، شعیب قوم خود را نهی می‌کند، لذا نهی او ناظر به کمینی است که شیطان در کنار صراط مستقیم

۱. سوره اعراف: آیه ۸۶.

۲. سوره اعراف: آیه ۱۶.

برای رهنزی دارد، می‌گوید: شما از شیاطین نباشید، «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ»، که رهنزی کنید و مانع عمل و رفتار خیر و مانع فهم صحیح یا آراسته شدن به فضایل اخلاقی شوید، «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ» در حقیقت یک نهی است در مقابل آن سخن شیطان، این‌گونه نباشد که رهنزی کنید، کسی را به سمت رذایل ببرید، مانع عمل خیر کسی شوید، مانع درک و فهم صحیح کسی از خداوند و هستی و این عالم شوید، به هر حال در حقیقت این خطاب است به قوم خودش که مبادا شما عمله شیطان شوید و همان کاری را که شیطان می‌خواست برای رهنزی و کمین کردن در کنار صراط مستقیم انجام دهد به وسیله شما انجام دهد.

علی‌ای حال استعمالات صراط و سبیل در قرآن متفاوت است، مهم‌ترین تفاوت لفظی این دو این است که سبیل به صورت جمع می‌آید ولی صراط به صورت جمع نمی‌آید، هرچند وحدت و کثرت در صراط راه دارد «کل صراط» استعمال شده است، اما بعد خواهیم گفت که در صراط مستقیم دیگر تعدد و کثرت معنا ندارد.

#### تفاوت دوم

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که از خود آیات بدست می‌آید این است که، خداوند ضمن اینکه صراط را به خود نسبت داده و سبیل را هم به خود نسبت داده است، اما وقتی می‌خواهد صراط را به خود نسبت دهد یک صراط را بیشتر ذکر نمی‌کند اما وقتی سبیل را به خود نسبت می‌دهد، سبیل‌های متعددی به خود نسبت می‌دهد، این نشان می‌دهد بین انسان و خداوند یک صراط مستقیم است، و چند سبیل مثلاً آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۱</sup>، کسی که در راه ما مجاهدت کند ما سبیل خود را به او نشان خواهیم داد و آنها را به سوی سبیل‌های خودمان هدایت می‌کنیم.

پس تفاوت دوم این است که وقتی می‌خواهد صراط را به خود نسبت دهد یک صراط را نسبت می‌دهد ولی وقتی می‌خواهد سبیل را نسبت دهد چند سبیل هم بکار می‌برد، ضمن اینکه ممکن است سبیل واحد هم استعمال شود. ولی در مورد صراط هیچوقت نمی‌گوید: صراط‌های ما، «ان هذا صراطی مستقیم»، صراط را فقط به خودش نسبت می‌دهد.

#### تفاوت سوم

تفاوت سوم اینکه صراط را به غیر خود نسبت نمی‌دهد، اما سبیل را هم به خود نسبت می‌دهد و هم به دیگران. مثلاً در یکجا به رسول خدا نسبت می‌دهد «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ»<sup>۲</sup>، به پیامبر می‌فرماید بگو این راه من است که مردم را با بصیرت به سوی خدا دعوت کنم، در اینجا سبیل به پیامبر نسبت داده شده است، در بعضی مواضع سبیل نسبت داده می‌شود به توبه کاران، مثل آیه «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ»<sup>۳</sup>، راه کسی که به سوی من رجوع و انابه کند، در بعضی از جاها سبیل به مؤمنین انتساب پیدا می‌کند «سبیل المؤمنین»، ممکن است غیر مؤمنین، بعضی گروه‌های دیگر هم سبیل به آنها نسبت داده شود.

۱. سوره عنکبوت: آیه ۶۹.

۲. سوره یوسف: آیه ۱۰۸.

۳. سوره لقمان: آیه ۱۵.

پس فرق دوم اینکه سبیل به غیر خدا هم انتساب پیدا می‌کند ولی صراط فقط به خدا نسبت داده شده است و به غیر خدا در قرآن به هیچکس نسبت داده نشده است.

#### تفاوت چهارم

صراط با شرک و ضلالت قابل جمع نیست، اما سبیل با شرک ضلالت قابل جمع است، این همان است که قبلاً عرض کردیم که در صراط اختلاف نیست، ولی در سبیل ممکن است باشد، در صراط آفت نیست ولی در سبیل این آفت وجود دارد، حال چطور می‌شود که در صراط شرک و ضلالت نباشد ولی در سبیل باشد.

در آیه «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>، می‌گویند، بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر با شرک، یعنی ایمان توأم با شرک، از این آیه بدست می‌آید که ایمان و شرک در جاهایی باهم قابل جمع هستند، حال این شرک که گفته می‌شود بالاخره یک نوع ضلالت است، دیگر هدایت نیست، وقتی کسی شرک دارد نمی‌توان گفت که این هدایت دارد، در سبیل این اتفاق می‌افتد که شرک و ایمان با هم جمع شوند اما در صراط این اتفاق نمی‌افتد، حال چگونه می‌شود که در جایی هم ایمان باشد و هم شرک، ایمان توأم با شرک، یعنی ایمان ناقص، ایمانی که شرک در آن نباشد یعنی ایمان کامل، اگر کسی ایمان داشته باشد ولی در عین حال عقاید و رفتارهای شرک آلود داشته باشد، نمی‌توان گفت که بطور کلی در مسیر نیست، ایمان او نقص دارد و گرفتار آفت است، گاهی هم ایمان با ضلالت هم جمع می‌شود، ضلالت غیر از شرک است، ضلالت در واقع یعنی گم‌گشتگی، در آیه بعد در سوره حمد می‌گوییم «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» در اینجا سه گروه معرفی شده است، یکی «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و یکی «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و یکی «الضَّالِّينَ»، «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» کسانی هستند که مورد غضب قرار گرفتند و در صراط جحیم هستند، «الضَّالِّينَ» کسانی هستند که در صراط مستقیم هستند و به سوی خدا می‌روند، اما یک گروهی هم هستند به نام «ضالین» یعنی ره گم‌کردگان، آن‌هایی که نه در این مسیر هستند و نه در آن مسیر، پس ضلالت یعنی سرگشتگی، گم‌گشتگی، راه گم کردن، گم شده، کسی نمی‌داند چکار می‌کند، نه در مسیر شیطان حرکت می‌کند و نه در مسیر خداوند، اما یک گروهی مشرک هستند، یعنی در نقطه مقابل آن مقصدی که باید طی کنند حرکت می‌کنند، آنوقت این دو خصوصیت و دو نقص، یعنی نقص شرک و نقص ضلالت، در سبیل پیدا می‌شود ولی در صراط چنین چیزی نیست، صراط به طور کلی مبرای از این نقص‌ها می‌باشد.

در آیه «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۲</sup>، خداوند در این آیه خطاب به مسلمین و مؤمنین می‌فرماید: از ناحیه خداوند به سوی شما یک کتاب و نور روشنی آمد خداوند به وسیله آن هر کسی را که در پی خشنودی او باشد به سبیل سلام، راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند و آنها را از

۱. سوره یوسف: آیه ۱۰۶.

۲. سوره مائده: آیه ۱۶.

ظلمات به سوی نور میبرد، و «يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» بعد هدایت می‌کند به صراط مستقیم، معلوم می‌شود که قبل از صراط مستقیم این سبیل وجود دارد، بعد در نتیجه‌گیری خواهیم گفت که نسبت این سبیل با صراط مستقیم چیست، (دو احتمال در اینجا متصور است که عرض خواهیم کرد)، اما مسئله این است که وقتی به صراط مستقیم می‌رسد، خروج از ظلمت به نور است، یعنی دیگر هیچ نقصی و ظلمتی در آن نیست، در قبل از رتبه صراط مستقیم هنوز خروج از ظلمت به نور به معنای کامل اتفاق نیفتاده است، هدایت است، هدایت به سبیل سلام و راه‌های امن است ولی این راه‌ها هنوز گرفتار آفت و خطر است اما در مورد صراط این‌گونه نیست، چون در آنجا اصلاً شرک و ضلالت به هیچ وجه راه ندارد.

#### تفاوت پنجم

فرق دیگر این است که حرکت در سبیل مستلزم رسیدن به مقصد نیست اما حرکت در صراط مستقیم، قطعاً رهرو در آن راه را به مقصد می‌رساند، لذا می‌گویند سبیل تخلف پذیر است اما صراط تخلف ناپذیر است.

#### تفاوت ششم

آخرین فرق این است که در صراط اختلاف نیست ولی در سبیل اختلاف است، اینکه گفتیم در صراط تعدد نیست ولی در سبیل تعدد است این را می‌توان به یک بیان و تعبیر دیگر هم گفت و یک معنای دیگر از آن اراده کرد در صراط مستقیم اختلاف نیست ولی در سبیل اختلاف هست.

«والحمد لله رب العالمين»